

An Analysis of the Reasons for the Change in the Place of the Mosque and Reduction of the Social Functions of the Mosque in Today's Society

Mohsen Qanbari Nik¹

Received: 21/02/2021

Accepted: 01/06/2021

Abstract

The mosque is the most important social institution of the Islamic society and is considered the axis of other social systems and institutions. The type of relationship and interaction with this holy institution determines the meaning and place of other social institutions in Islamic society. Undoubtedly, in such a structure, the mosque can use all its capacities to create a desirable map in the Islamic society and be effective. Examples of this role-playing can be found in the historical and social experience of Muslims, especially in the early days of Islam. Nevertheless, it seems that in the current society, despite the efforts of those in charge of the Islamic system in the arena of the mosque, the place and function of the mosque has always changed and, as expected, it has not performed its desired social functions in society. The main question of the paper is that "What are the reasons for the change in the place and reduction of the social functions of the mosque in the contemporary era?" The study aims to find out the most important causes. The research method is descriptive-analytical and documentary method is used to collect information. The findings suggest that changes in the levels of legislation, policymaking and management, the emergence of similar institutions and the type of practical programs in the mosque, has changed the social status and, consequently, reduced the ideal functions of the mosque, especially in the face of social problems and harms.

Keywords

Mosque, social base, society, function, change.

1. Member of Propagation and Communication Department of Higher Education Institute of Humanities, Al-Mustafa University |, Qom, Iran. ghanbarini@miu.ac.ir

* Qanbari Nik, M. (1400 AP). An Analysis of the Reasons for the Change in the Place of the Mosque in Contemporary Society, *Journal of Islam and Social Studies*, 8(32), pp. 28-54.

DOI: 10.22081/jiss.2021.60246.1774

تحلیلی بر علل تغییر جایگاه و کاهش کارکردهای اجتماعی

مسجد در جامعه کنونی

محسن قنبری نیک^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

چکیده

مسجد، مهم‌ترین نهاد اجتماعی جامعه اسلامی و محور دیگر نظامات و نهادهای اجتماعی به شمار می‌آید؛ به طوری که نوع رابطه و تعامل با این نهاد مقدس، معنا و جایگاه دیگر نهادهای اجتماعی، در جامعه اسلامی را معین می‌کند. بی‌تردید، در چنین ساختاری، مسجد می‌تواند همه ظرفیت‌های خود را برای نقش‌آفرینی مطلوب در جامعه اسلامی به کار گیرد و تأثیرگذار باشد. در تجربه تاریخی و اجتماعی مسلمانان به‌ویژه در صدر اسلام، نمونه‌هایی از این نقش‌آفرینی یافت می‌شود. با وجود این، به نظر می‌رسد، در جامعه کنونی، علی‌رغم تلاش متولیان نظام اسلامی در حوزه مسجد، جایگاه و کارکرد مسجد، همواره دچار تغییر بوده است و آن‌گونه که انتظار می‌رفت، کارکردهای اجتماعی مطلوب خود را در جامعه ایفا نکرده است. پرسش اصلی مقاله این است که؛ علل تغییر جایگاه و کاهش کارکردهای اجتماعی مسجد در دوران معاصر چیست؟ هدف مقاله، دست‌یابی به مهم‌ترین علل است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و برای گردآوری اطلاعات از شیوه اسنادی بهره گرفته شد. یافته‌ها نشان می‌دهد، تغییرات پدیدآمده در سطوح قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و مدیریتی، پدیدآمدن مراکز مشابه و نوع برنامه‌های عملی در مسجد، سبب تغییر جایگاه اجتماعی و به تبع آن، کاهش کارکردهای مطلوب مسجد به‌ویژه در مواجهه با مسائل و آسیب‌های اجتماعی شده است.

کلیدواژه‌ها

مسجد، پایگاه اجتماعی، جامعه، کارکرد، تغییر.

۱. عضو گروه تبلیغ و ارتباطات مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی جامعة المصطفیٰ ﷺ، قم، ایران. ghanbarini@miu.ac.ir

* قنبری نیک، محسن. (۱۴۰۰). تحلیلی بر علل تغییر جایگاه و کاهش کارکردهای اجتماعی مسجد در جامعه کنونی. فصلنامه علمی-پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۳۲)، صص ۲۸-۵۴. DOI: 10.22081/jiss.2021.60246.1774

مقدمه

اسلام، از همان ابتدای ظهورش، در پی تشکیل جامعه نوینی مبتنی بر آموزه‌های الهی بود. شکل‌گیری جامعه اسلامی، با ایجاد ساختارها و پایگاه‌های اجتماعی متناسب با اهداف اصلی اسلام به تدریج پی‌ریزی شد و اولین بنیان و پایگاه جامعه اسلامی در مدینه منوره و توسط پیامبر گرامی اسلام ﷺ با عنوان «مسجد» بنا نهاده شد. بدین معنا که محتوا و همه رویکردهای دین اسلام، با محوریت و از مسیر این پایگاه مقدس مبتنی بر عبادت و بندگی است. مسجد، سوای از ظرفیتی که برای ابلاغ باورها، ارزش‌ها و هنجارهای الهی فراهم می‌کرد، شیوه‌های بندگی و وجه عینی اعمال را نیز به مؤمنین آموزش و انتقال می‌داد. به عبارت دیگر، مسجد، پایگاهی برای تحقق هر دو وجه عینی و معنوی آموزه‌های دینی بوده است. این مهم در آیات قرآن کریم و به‌ویژه احادیث ماثور و نیز سیره ائمه علیهم‌السلام قابل مشاهده است. تجربه تاریخی زیست اجتماعی مسلمانان نیز نشان می‌دهد که مسجد در تعامل خود با جامعه، در همه عرصه‌ها و ادوار زمانی، توانسته در ابعاد معنوی و عینی جامعه اسلامی نقش آفرینی کرده و سبب تحولات مهمی به‌ویژه تحولات فرهنگی گردد.

اسلام - کامل و جامع‌ترین دین الهی - پس از تثبیت اولیه، برای تحقق بخشیدن به رسالت خود، مسجد را به‌عنوان خانه خدا و کانون ایمان، طهارت، تقوی و پایگاه اجتماعی مسلمانان برای شکل‌دهی نظام اجتماعی مطلوب خود بنیان نهاد با این تفاوت که مسجد برخلاف دیگر معابد، تنها جایگاه عبادت و نیایش دینی نبود؛ بلکه نهادی با کارکردهای متعدد که علاوه بر فعالیت‌های عبادی، به‌عنوان کانون هدایت، ارشاد، مرکز تعامل و تعاون اجتماعی و محور نظم و تدبیر جامعه اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفت. مسجد، به‌عنوان هسته مرکزی جامعه اسلامی، گذشته از کارکردهای مذکور، در جریان نهضت‌های بزرگ اسلامی نیز در جهت بیداری و آگاهی‌بخشیدن به توده مردم و گروه‌های اجتماعی نقش بسیار بارزی را در تجربه تاریخی اسلام ایفا کرده است. مسجد، به‌عنوان پایگاه وحدت مسلمین و نمایش روح وحدت و یکپارچگی به دشمنان پیدا و پنهان جامعه اسلامی عمل کرده است (نوبهار، ۱۳۷۵، ص ۱۶).

با وجود این، به نظر می‌رسد، این نهاد دینی، در دوران معاصر و در مواجهه با ساختارها، نهادها، سبک زندگی مدرن و در یک کلام؛ مدرنیته با چالش‌های جدی برخورد کرده است و از ایفای نقش‌های پیش‌گفته، فاصله گرفته است. به‌طور طبیعی، شیوه زندگی جدید، اقتضات و ساختارهای جدیدی را پدید آورده که نه تنها همخوانی مناسبی با نهادهای اصیل دین ندارند بلکه در بسیاری موارد در تقابل با آنها عمل کرده است. این وضعیت، در تعامل با مسجد نیز چنین مسائلی را پدید آورده است و تأثیرگذاری آن را محدود کرده است.

مسئله آن است که امروزه علی‌رغم توجه نسبی به برخی ابعاد و کارکردهای مسجد، به نظر می‌رسد این پایگاه دینی از نقش آفرینی و تعاملات چندگونه خود به‌دلایلی با جامعه فاصله گرفته و از محوری‌بودن در تعاملات گوناگون نظام اجتماعی دور شده است.

فقدان پایگاه‌هایی؛ مانند مسجد در کانون نظم اجتماعی جامعه اسلامی، سبب انحراف لایه‌هایی از فرهنگ اسلامی و مورد انتظار افراد مسلمان شده است و نیز آسیب‌های متعددی را در همه ارکان و نهادهای اجتماعی همچون؛ خانواده، نظام آموزش، تربیت و... و نیز روابط اجتماعی و سبک زندگی فردی و اجتماعی پدید آورده است. این آسیب‌ها را می‌توان در بُعد اعتقادی و فاصله گرفتن بخش‌هایی از جامعه از خدا، در تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و جایگزینی ارزش‌ها و هنجارهای بیگانه و نیز در اعمال و رفتار و نیز نمادهای بیرونی افراد و جامعه مشاهده کرد. وجود آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی متعددی مانند: اعتیاد، طلاق، سرقت، خودکشی، انحرافات اخلاقی و جنسی و... در جامعه امروزی، نشانه‌هایی از این وضعیت است.

از جمله دلایل این مسئله را می‌توان در غفلت از جایگاه و اهمیت نهادهایی مانند مسجد در شکل‌دهی نظام مطلوب اسلامی و فراموشی تجربه تاریخی نقش مسجد در زیست اجتماعی جامعه اسلامی - از صدر اسلام و ادوار تاریخی تاکنون - دانست. این نوشتار سعی دارد به بررسی علل این تغییر جایگاه و آثار آن در عدم تحقق کارکردهای مطلوب مسجد بپردازد. مسئله‌ای مهم که به نظر می‌رسد، در مطالعات پیرامون مسجد،

کمتر توجه نشده و تلاش‌ها در عرصه‌های دیگر مانند تنوع فعالیت‌ها یا تغییر مدیریت‌ها نیز نتوانسته کمکی به حل مسئله نماید.

۱. علل تغییر جایگاه مسجد

به‌طور کلی، می‌توان علل تغییر جایگاه مسجد از یک وضعیت مطلوب و پایگاه اجتماعی تأثیرگذار به وضعیت کنونی را در موارد زیر برشمرد:

۱-۱. علل درونی

۱-۱-۱. قوانین و سیاست‌گذاری

بعد از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، مسجد در یک وضعیت تقابلی در حوزه قوانین، سیاست‌گذاری و مدیریت اجرایی بین نهادهای حکومتی و نهادهای مردمی قرار گرفت. نهادهای حکومتی با مفروض گرفتن مسئولیت بر همه عرصه‌ها و ارکان اجتماعی، در حوزه مسجد نیز قوانینی را تدوین و به مرحله اجرا گذاشتند. این نوع نگرش و اجرایی‌شدن بخشی از قوانین مربوطه؛ گرچه دستاوردهای خوبی به‌ویژه در امر ساماندهی و توسعه فضای فیزیکی مسجد در جامعه ایران داشته است، اما به دلالتی؛ همچون، عدم توجه به نقش مردم و عدم بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های دینی مانند: حوزه علمیه و نیز غلبه برخی نگاه‌های سیاسی بر ابعاد فرهنگی، سبب شده تا برخی از سیاست‌ها و قوانین، مانعی برای محور قرار گرفتن مساجد در بخش‌هایی از جامعه شده و در نتیجه، کم‌اثری آن‌ها بر تحولات اجتماعی را شاهد باشیم.

۱-۱-۲. تفکیک نهادهای اجتماعی از مسجد

واقعیت موجود آن است که با وجود گستردگی و فعال بودن ابعادی از ظرفیت مساجد در کشور، اما بخش‌هایی از جامعه، به‌دلایلی از تعامل با مسجد بازمانده‌اند و تغییرات محسوسی در شکل تعامل آنها با مسجد مشاهده می‌شود که سبب تغییرات اجتماعی و فرهنگی شده است. این تغییرات فرهنگی در همه لایه‌های اعتقادی،

ارزشی، هنجاری و رفتاری به وقوع پیوسته است.

به طور کلی، وضعیت فعلی مساجد به حوزه‌ها و مسائل گوناگونی وابسته است. این حوزه‌ها، دارای اجزا و عناصری هستند که هر یک به طور مستقیم و یا غیرمستقیم با مسجد در ارتباط هستند. رونق مساجد و گسترش حضور افراد جامعه در مسجد و تأثیرپذیری آنان از فرهنگ مسجد یا کم‌رونقی و منزوی شدن مسجد و تأثیرگذاری محدود یا عدم تأثیرگذاری بر جامعه، ناشی از عوامل متعددی است که در ادامه به برخی از آنها باختصار اشاره می‌شود:

۱-۱-۳. محدود شدن تعامل مسجد به بُعد عبادی

علی‌رغم تاکیدات آموزه‌های دینی و نیز تجربه تاریخی مواجهه متنوع جوامع اسلامی با مسجد، در دوران معاصر شاهد محدود شدن فعالیت‌ها و کارکرد مسجد به بُعد عبادی و غفلت از توجه به دیگر ابعاد مهم و تأثیر مسجد هستیم. محدود شدن مسجد به بُعد عبادی، چه از سوی خود نمازگزاران و چه از سوی مدیران و متولیان مسجد، پیامدهایی؛ از قبیل کاهش نقش آفرینی مسجد در ابعاد دیگر جامعه را دارد و در نتیجه، شاهد جدایی دین از سیاست و اجتماع خواهیم بود. مسجد، ظرفیت‌های بی‌نظیری در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دارد که در صورت احیاء آنها از طریق وضع قوانین مناسب از سوی حکومت اسلامی و واگذار کردن مسئولیت اجرایی آنها به مردم و نهادهای مردم، می‌توان بر بسیاری از مشکلات جامعه فائق آمد و همان تعامل و الگوی مطلوب مسجد و جامعه را نظاره‌گر باشیم.

۱-۱-۴. جدایی نهادهای رسمی تعلیم و تربیت از مسجد و فقدان ارتباط میان آنها

امر تعلیم و تربیت از ابتدای ظهور اسلام، در جامعه اسلامی، با مسجد عجین شده بود؛ چنان‌که اولین آموزش‌ها و کلاس‌های درس در مسجد برپا می‌شد. بنا به روایات تاریخی، مساجد متعددی در قرون گذشته با عنوان مساجد دانشگاهی و یا حوزه‌های

علمیه شناخته می‌شدند. از همین روست که مدرسه، حوزه علمیه و مسجد همواره در کنار یکدیگر ساخته می‌شدند؛ مانند مدارس عصر قاجاریه در ایران (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۱۷). این سنت نیکو، حتی در دوران معاصر در برخی مدارس دینی نیز لحاظ می‌شود.

با وجود این، متأسفانه، بعد از ورود مراکز نوین آموزشی؛ مانند دانشگاه‌ها، این قرابت میان مسجد و برخی از ابعاد نهاد تعلیم و تربیت؛ علی‌رغم توجه به ظواهر، به تدریج به جدایی انجامید و در نهایت، دانش مستقل از آموزه‌های دینی، شکل جدیدی را بنیان نهاد؛ گرچه در ادامه، با ایجاد مساجد یا مراکزی مشابه، سعی شده، فعالیت‌های دینی مسجد را نیز در دانشگاه جای داده و مسجد نیز در مراکز دانشگاهی ایجاد شد؛ اما عملاً آن اتفاق و هدف غایی از نظام آموزشی در جامعه اسلامی تحقق نیافت و ارتباط وثیقی میان متون آموزشی و دیگر ارکان مراکز علمی جدید با مسجد و آموزه‌های آن شکل نگرفت.

بروز چنین پدیده‌ای، شاهد تربیت نیروهایی در درون جامعه اسلامی شد که با بخش عمده‌ای از مبانی و آموزه‌های دینی بیگانه بوده و اصولاً، حضور دین را در عرصه‌های اجتماعی و زندگی امروزی بر نمی‌تابند. همچنین، مسجد نتوانست شکل نوینی از تعاملات و ارتباطات دینی را با مراکز و پرورش‌یافتگان آن ایجاد نماید و صرفاً در همان بُعد عبادی، باقی ماند.

نتیجه این وضعیت، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را هم بر نهاد تعلیم و تربیت وارد ساخته و نیز مسجد را از بسیاری از عرصه‌های تأثیرگذاری زندگی اجتماعی مسلمانان بازداشته است. چنان‌که در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نمونه‌هایی از این آسیب‌ها؛ مانند عدم التزام عملی به امور عبادی و دینی مشاهده می‌شود.

تعلیم و تربیت مطلوب جامعه اسلامی، می‌بایست ارتباط وثیق و مشخص شده‌ای با منبع و محور اندیشه اسلامی داشته باشد و در اثر این تعامل، هر دو نهاد مسجد و جامعه، از آثار آن بهره‌مند شوند. مسجد از محوری‌ترین نهادهای دینی است. تحول در نظام

آموزش و پرورش در کشور، مستلزم آن است که نقش این نهاد اصیل و جامع دینی به درستی و خوبی تعریف شود (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۵). میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌ای برقرار گردد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۷/۱۸).

۱-۵. جدایی نهاد قضاوت از مسجد و فقدان ارتباط میان آنها

در عصر نبوی صلی الله علیه و آله و نیز قرون اولیه، تقریباً تمامی مسائل حقوقی و اختلافات میان مردم که نیازمند رسیدگی بود، در مسجد صورت می‌گرفت و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله میان مردم به عدالت قضاوت می‌کرد. در مسجد، قوانین حقوقی وضع کردند و برای مسجد و منبر، شأن ویژه حقوقی قائل شدند که از جمله آنها مراسم سوگند خوردن بود. «پیامبر صلی الله علیه و آله مراسم سوگند خوردن در موارد حقوقی را کنار منبر معمول ساخت و می‌فرمود: هر کس کنار منبرم سوگند دروغ گوید؛ هر چند برای یک چوبه مسواک باشد، جایگاه او در آتش خواهد بود» (بغدادی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۴۰). در مسجد اجرای حکم و حدود الهی انجام می‌شد؛ به طوری که امیرالمومنین علیه السلام در گوشه‌ای از مسجد کوفه به امور قضا می‌پرداخت (احسانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۴۴).

نویسنده کتاب المساجد فی الاسلام، مسجد را کاخ عدالت (قصر العدل) نامیده است (الولی، ۱۴۰۹، ص ۱۵۹). رد مال به صاحب آن اتفاق می‌افتاد. تقسیم بیت‌المال بر اساس عدالت شکل می‌گرفت. نماز جماعت اقشار گوناگون اعم از ثروتمند و فقیر یا صاحبان قدرت و منصب و افراد عادی جامعه در یک صف واحد، شکل می‌گیرد و امتیاز و تفاوتی میان آنها نیست.

جدایی این نهاد مهم از مسجد، به سالیان دور بازمی‌گردد؛ گرچه دلایل موجهی هم برای آن بیان می‌شود، اما آنچه در اثر این جدایی، پدید آمده، مطلوب نبوده است؛ خاصه آنکه هیچ ارتباط ساختاری میان این شکل نوین حقوقی با مسجد ترسیم و برقرار نشد. به عبارت دیگر، یکی از حوزه‌های مؤثر ارتباطی مسجد و جامعه، همین قضاوت در مسجد بود که می‌توان گفت؛ تمامی سطوح آن از این نهاد گرفته شده و بدون لحاظ کردن زمینه‌های ارتباطی برای آن، نقصانی در وجه اجتماعی مسجد ایجاد شد.

پس از انقلاب اسلامی که انتظار می‌رفت بسیاری از این کاستی‌ها و جدایی‌های نامناسب، جبران و احیا شود، نیز تغییرات ماهوی و تأثیرگذاری به وجود نیامد؛ گرچه در برخی از سطوح نظام حقوقی کشور مانند: محتوا یا قاضی، تغییرات بایسته‌ای انجام شد، اما همچنان ارتباط و نقش مسجد مغفول مانده است.

علاوه بر این دو نهاد مهم، حوزه‌های دیگری مانند: فعالیت‌های سیاسی، خدمات اجتماعی، قرض‌الحسنه، مشورت، تشکیل خانواده، پناهگاه مسافری و مانند آن که در گذشته، بخشی از نهاد مسجد به شمار می‌آمد، همین وضعیت جدایی کامل برای آنها اتفاق افتاد. چنان‌که محل انتصاب کارگزاران و سفیران، محل پذیرش سفیران دیگر اقوام و ممالک، محل اعتراض به حکومت و استیضاح کارگزاران و محل انتشار و ابلاغ اخبار مهمی مانند اخبار فتوحات در مسجد بود و امروزه کاملاً جدا شده‌اند (برومند اعلم، ۱۳۸۴، ص ۸۳).

۱-۱-۶. تغییر جایگاه عناصر مسجد

در سال‌های ابتدایی تشکیل حکومت اسلامی - که شهر مدینه به کانون تربیتی و بستر اجرای احکام اسلامی تبدیل گردید - پیامبر برای محو سنت‌های جاهلیت و شاهنشاهی و کاخ‌نشینی و جایگزینی سنت‌ها و آموزه‌های الهی، نیاز به محل استقرار برای ارتباط با مردم و تدبیر امور و تصمیم‌گیری و اجرا داشت. بنابراین، مسجد به‌عنوان، تأمین‌کننده همه نیازهای فردی و اجتماعی جامعه اسلامی بنیان نهاده شد و شخص پیامبر، اولین رهبر و مدیر این مکان الهی شد. بنابراین، تاریخچه، ارتباط مسجد و روحانیت را بایست به ابتدای ظهور اسلام و ایجاد اولین مسجد به دست اولین امام جماعت مسجد؛ یعنی رسول اسلام ﷺ ارجاع داد.

مسجد و روحانیت ملازم یکدیگرند. از نشانه‌های تلازم مسجد و روحانیت این است که براساس نتایج برخی از تحقیقات پیمایشی، میان منحنی نزول موقعیت اجتماعی روحانیت در سال‌های اخیر با منحنی نزولی اقبال به مسجد در مردم، همبستگی مشهود و روشنی ملاحظه می‌شود. روحانیت، به‌عنوان پرچمدار اسلام و مبلغ و ترویج‌کننده احکام

آن، همواره نقش به‌سزایی در گرایش و جذب همه اقشار جامعه و به‌ویژه نوجوانان و جوانان به نماز و دین داشته و این نقش در ابعاد دیگر نیز بسیار مؤثر بوده است. تأثیر روحانیت هم از بُعد علمی و هم از بُعد عملی به‌عنوان یک الگوی شایسته قابل توجه است.

به‌طور کلی، تاریخ ایران با مذهب عجین شده است. بنابراین، روحانیت از دیرزمان نیرویی مؤثر بر فرهنگ و اخلاق جامعه ایرانی بوده است؛ می‌توان گفت که در تاریخ هیچ ملتی، روحانیت بدین‌گونه نقش‌آفرینی نکرده است. سرجان ملکم سفیر انگلیس که طی سال‌های ۱۸۰۰-۱۸۱۰م. در روزگار سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار در ایران بود و از ناظران اوضاع اجتماعی، سیاسی ایران بوده است در مورد نقش روحانیون می‌نویسد:

«... پادشاه ایران گفته شده است که از جمیع سلاطین عالم به رعایا مطلق‌العنان‌تر و مقتدرتر است و چنانچه مسطور شد، دلیل هم هست بر این که از زمان قدیم بر این نهج بوده است و حکم پادشاه، همیشه قانون ملک بوده است و احتمال دارد که هیچ چیز مانع اجرای حکم نشده است؛ مگر مراعات وی شریعت را. علمای ملت که عبارت از قضات و مجتهدین است، همیشه مرجع رعایای بی‌دست‌وپا و حامی فقرا و ضعفا بیچاره‌اند. اعظام این طایفه، به حدی محترمند که از سلاطین کمتر بیم دارند و هر وقت که واقعه‌ای مخالف شریعت و عدالت حادث شود، خلق رجوع به ایشان کنند... فقهای شریعت و قضات ملت، یک طایفه‌اند و چون سررشته قوانین الهیه در دست ملامهای ملت است و به همین سبب، سپر بلای ضعفا و مساکین‌اند. در مقابل، لاجرم این طبقه را احترامی تمام است. بنابر آئین مسلمین، محکمه عدالت جز محکمه شرع نتواند بود و لیکن در ایران محکمه دیگر هست که آنرا محکمه عُرف گویند... طبقه علما همیشه در ایران بوده و مردمی هستند که نه منصبی دارند و نه منصب قبول می‌کنند، اما به جهت فرط فضیلت و زهد و صلاحیتی که در ایشان هست، اهالی هر شهر به ایشان رجوع کرده، مجتهدین را هادی راه نجات و حامی از ظلم بغات و طغات دانند و چنان در تعظیم ایشان مبالغت نمایند که جبارترین سلاطین نیز مجبور است که در این امر متابعت خلق نموده، از روی اعتقاد یا تکلیف، مجتهد را رعایت و احترام نمایند... جمعی دیگر از

ملاهای دیگر نیز بدون مواجب یا به امید ازدیاد شهرت یا به سفارش قضاوت یا شغل و عملی دیگر، همیشه اجزای مجلس شیخ الاسلام اند. در شهرهای کوچک فقط یک قاضی است و در دهات غالب یک ملایی که چند کلمه عربی می‌داند به امور نکاح و طلاق پرداخته، دخل و تصرفی در اموال اموات ایشان می‌نماید و حجت یا تمسکی اگر ضرور شود، می‌نویسد و فیصله امور جزئیة روزمره می‌کند» (ملک، ۱۳۸۳، صص ۲۱۸-۲۲۵).

تاریخ تعامل مسجد و روحانیت نیز حاکی است که مسجد در واقع، عبادت‌گاه، محکمه، مدرسه، گردهمایی سیاسی و... بوده که روحانی در راس آن قرار داشته است و همواره در شرایط ضعف دولت و محدودبودن سازمان‌های اداری حکومت، نوعی خلاء قدرت و مدیریت را پر می‌کرد. مسجد، کانون رتق و فتق امور بود و نظم و نسق و نظام اجتماعی را محافظت می‌کرد. اصولاً هر جامعه‌ای در شرایط نیاز، نهادهای لازم را به‌طور طبیعی بوجود می‌آورد و در جامعه اسلامی این نهاد برآمده از فرهنگ دینی‌اش بود. در ایران، این وضعیت نه تنها تا پایان دوره قاجاریه که حتی تاکنون نیز در اقصی نقاط کشور وجود دارد. امام خمینی علیه السلام در این رابطه می‌گوید: «در اینجا باید یک نکته دیگری را هم گفت؛ تا حال همه طبقات روحانیون معلوم شود، چه روحانیون درجه اول و آن‌هایی که برای رسیدن به مقام آن‌ها کار می‌کنند، چه درجه‌های بعد که طبقه مبلغان و ملاهای شهرها و دهات از آنها هستند. آن نکته این است که برای راه‌انداختن چرخه‌های دین و عملی کردن قانون‌های آسمانی و دعوت کردن مردم به راه حق‌پرستی و تقوی و برانداختن ریشه خیانت و جنایت و تجاوز از حدود و صدها مانند این‌ها، کارمندی لازم است و این‌ها (روحانیون) کمک‌هایی به کشور و نظم مملکت کنند که یک صدم آن‌را دادگستری‌ها و شهربانی‌ها نمی‌کنند و دلیلش همان است که آن دسته مردم که با اینها سروکار دارند، در تمام شهربانی‌های مملکت یک سابقه سوء ندارند» (امام خمینی، ۱۳۶۲، ص ۲۰۵).

گرچه به‌دست آوردن مقبولیت، در گام نخست، مرهون رفتار شایسته و کارآمدی خود امام جماعت است، اما انتخاب امام جماعت از سوی مردم با توجه به ویژگی‌ها و شرایط، موجب پیوند عاطفی عمیق میان او و نمازگزاران مسجد می‌شود. مقبولیت،

باعث می‌شود تا امام جماعت بتواند از جنبه‌های عبادی، تربیتی و آموزشی با مردم تعامل مثبت و سازنده داشته باشد. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «خداوند نماز هشت گروه را نمی‌پذیرد: ... کسی که از پرداختن زکات خودداری می‌کند و امام جماعتی که نماز گزاران به امامت او راضی نیستند» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۰۴).

از جمله راه کارهای مهم کسب مقبولیت، سپردن انتخاب امام جماعت به دست مردم است. واگذار کردن این امر مهم به مردم، هم سبب انتخاب فرد شایسته و مورد علاقه آنها می‌گردد. به‌ویژه آن که مردم به جهت ارتباط نزدیک با افراد، در انتخاب، واقعی‌تر و مطمئن‌تر تصمیم‌گیری می‌کنند و هم باعث می‌شود تا سلاقی خاص در گزینش فردی برای امام جماعت مسجد، تأثیرگذار نباشد.

نقش، کارکرد، جایگاه و اهمیت روحانی و مسجد در جامعه‌ای با ویژگی‌هایی چون جامعه ما کم‌وبیش روشن است، روحانی پیش از هر چیز با تکیه بر دو عنصر آگاهی و تهذیب می‌تواند مسجد را به یکی از پایگاه‌های مهم مشارکت اجتماعی و مصونیت‌بخشی در برابر قدرت‌های دلفریب بدون مرز و امواج بی‌پایان قرن معاصر تبدیل نماید. او با عنصر آگاهی و تهذیب، توان‌مندی ارشاد را کسب می‌نماید و آنچه برای او اصالت دارد و رسالت واقعی و نخستین اوست، آموزش و ارشاد است؛ چنان‌که امام خمینی رحمته‌الله‌علیه می‌فرماید:

«من این که فهمیدم این بود که محل به واسطه خوبی علما، خوب بوده؛ علمایی که در محلات بودند، علمایی بودند که افراد صحیح، وظایف ملایی‌شان و وظایف دیانت‌شان را خوب عمل می‌کردند... مردم هم اهل مسجد بودند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، صص ۶-۷، در سخنرانی ۵۸/۹/۲۵).

در یک منطقه، رونق نهادهای مذهبی و آبادانی مکانی؛ مانند مسجد، تابع اعتبار، قدرت و نفوذ روحانیت است. «این یک چیز بزرگی است، استقامت هر مسجدی و اهل هر مسجدی به عهده امام مسجد است. استقامت هر شنونده‌ای به عهده گوینده است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۶۸، در سخنرانی ۵۸/۴/۱۷). مسجد، بدون روحانی فعال، مهذب، شجاع و آگاه، بنایی بی‌جان است و مسجد، دارای روحانی شایسته، کانون جنبش و

اصلاح است و قدرت و اهمیت مسجد در هر محل، به روحانی او بستگی دارد. «اگر چنانچه عالم فاسد بشود، عالم فاسد می‌شود، برای اینکه عالم نماینده (به حسب ظاهر) امام است و اگر خدای نخواستہ فسادى در او پیدا بشود، قشرهای ملت را فاسد می‌کند و از آن طرف، اگر چنانچه صالح باشد، صالح می‌کند قشرهای ملت را، صالح می‌کند عالم را. من در جوانی در یکی از شهرهای اینجا (محلات) وقتی که رفتم و دیدم که مردم اینجا صالح‌اند، فرق دارند با جاهای دیگر، خوب‌اند، مردم‌شان کم پیدا می‌شود که منحرف باشند، بعد توجه کردم دیدم که عالم آن‌جا - آن وقت که من بودم - عالم آن‌جا و علمای آن‌جا، خیلی خوب بودند. مردم، چشم‌شان، گوش‌شان و همه هوش‌شان توجه دارد به این آقا، این امام جماعت که چه جور است؛ اگر این امام جماعت، آدم وارسته‌ای باشد، توجه به دنیا نداشته باشد، توجه به خدا داشته باشد، مردم تبعیت از او می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۵۲، در سخنرانی ۵۸/۶/۱۶).

بنابراین، در جامعه مدرن، «روحانی نباید به شغل دیگری غیر از روحانیت که بسط توحید و تقوی و پخش و تعمیم قانون‌های آسمانی و تهذیب اخلاق توده است، بپردازد. وظیفه مردم، خصوصاً دولت آن است که در بسط نفوذ آنان جدیت و کوشش کنند که با این قوه، حفظ استقلال مملکت و عظمت کشور... را می‌توان کرد» (امام خمینی، ۱۳۶۲، ص ۲۰۸). روحانی تا هنگامی که در بستر حوزه و در تعامل با مجموعه صنفی خویش است، شعاع تأثیر مردمی آن ناچیز است، اما از هنگامی که به مسجد رفت، شعاع عمل و تأثیر او وسعت می‌گیرد و صفات و ویژگی‌های او به پیرامونش تسری می‌یابد. اگر او مهذب بود، جامعه‌ای را مهذب می‌کند.

۱-۱-۷. عدم حضور مستمر نهادهای دینی و روحانیت در مسجد

در سال ۱۳۷۹ چنین گزارش شده که، از تعداد ۵۸۰۰۰ مسجد موجود در کشور، بیش از نیمی از آنها فاقد فعالیت و تحرک لازم می‌باشند و برای حدود ۳۰ هزار مسجد، امام جماعت نیاز می‌باشد (حشمتی، ۱۳۷۹). بنابراین، می‌توان گفت؛ یکی از علل مهم کم‌اثربخش بودن مسجد در جامعه امروزی، عدم حضور مدیر اصلی آن؛ یعنی، امام

جماعت در بسیاری از مساجد کشور است. عدم حضور مستمر روحانی در مسجد، سبب شده تا در اکثر موارد، مسجد حتی در بُعد عبادی نیز نقش خود را ایفا نکند و جامعه ناگزیر به نهادهای موازی رو آورد. این وضعیت، در حالی است که هزاران روحانی تحصیل کرده و مهذب در شهرهای بزرگ به ویژه قم وجود دارد که هر یک ظرفیت و توانایی بسیار خوبی برای اداره مسجد و جامعه پیرامون آن دارند.

۲-۱. مدیریتی

در ارتباط با مسجد، برخی از سازمان‌ها و نهادها یا به‌عنوان متولی امور مساجد شناخته می‌شوند، یا به علت متولی بودن در امور فرهنگی، با مساجد در ارتباط‌اند. قریب به ۲۰ نهاد و سازمان مدعی مسئولیت داشتن در مسجد هستند و خود را متولی اصلی مسجد معرفی می‌کنند؛ در حالی که قانون، هیچ نهاد و سازمانی را متولی امور مساجد معرفی نکرده است. بنابراین، از جمله مسائل مهم پیرامون مسجد در ایران، تعدد متولیان مستقیم اداره مسجد است. نهادهایی مانند: مرکز رسیدگی به امور مساجد، اداره اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی، بسیج، شهرداری‌ها و میراث فرهنگی، با ذی‌حق دانستن خود در تولید امور مساجد، به سلیقه خود در اداره مساجد دخالت می‌کنند. تعداد متولیان مسجد در ایران بین سیزده تا هفده نهاد می‌باشند (کاشانی‌زاده، ۱۳۹۱، صص ۴۲ و ۹۸).

این عوامل در سطح کلان، ریشه در حوزه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارند و در سطح میانه نیز ریشه در حوزه مدیریت امور فرهنگی در سطح سازمان‌های فرهنگی و نهادهای متولی اداره مسجد داشته و در سطح خرد در مسائلی؛ مانند: چگونگی تعیین و مدیریت امام جماعت بر مسجد، چگونگی اجرای برنامه‌های مسجد، چگونگی برخورد و تعامل، امام مسجد، هیئت امناء و خادم با مخاطبان و مانند آن دارند.

۲-۱-۱. متولیان متعدد برنامه‌های مسجد

گروهی دیگر از سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با مسجد، نهادهای متولی امور فرهنگی

کشور هستند. این قبیل نهادها، به‌رغم عدم دخالت مستقیم در اداره مسجد، به‌عنوان نهادهای زمینه‌ساز حضور فعال، پویا و اثربخش مسجد در جامعه، نقش به‌سزایی دارند. ضعف عملکرد متولیان امور فرهنگی می‌تواند برای مساجد آسیب‌زا باشند. این نهادها در اموری؛ نظیر تولید محتوا، زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی برای حضور اقشار مختلف مردم در مسجد و مانند آن دخالت دارند. حوزه‌های علمیه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، صداوسیما از جمله این سازمان‌های فرهنگی محسوب می‌شوند. در میان این سازمان‌ها، جایگاه حوزه علمیه به دلیل تربیت روحانیون و ائمه جماعت مساجد از اهمیت بیشتری برخوردار است. با وجود این ظرفیت، تعدد این مراکز و نقش‌آفرینی متفاوت هر یک از آنها به‌طور مستقل در مسجد و اجرای برنامه و سیاست‌گذاری متداخل، از عوامل کاهش اثربخشی مسجد بر جامعه و توجه افراد به نهادهای رقیب است. بسیاری از برنامه‌های سازمان‌های مذکور در مسجد، هم‌افزا نیست، بلکه هر یک، اثربخشی دیگری را خنثی می‌کند.

۳-۱. علل رفتاری و عملکردی

برنامه‌ها و فعالیت‌های امروزی مسجد، سوای از بخش عبادی آن - که محدود به نماز جماعت و ادعیه است و نسبتاً با استقبال مناسبی مواجه است - متناظر به مسائل و نیازهای اجتماعی جامعه نیست. از جمله علل این مسئله، فقدان متولی مشخص و آگاه به مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه است. بخش زیادی از برنامه‌های مسجد، از سوی نهادهایی برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود که رابطه معنادار و مستقیمی با اصل رسالت مسجد ندارند و یا ارتباط معنادار و حقیقی آنها با جامعه کم است.

بعد از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی ایران و تثبیت نظام جمهوری اسلامی، شاهد کم‌رنگ‌شدن هر روز نقش مساجد در جامعه هستیم. «متأسفانه گاهی شاهد کلیشه‌ای بودن کارکردهای مسجد و بی‌انگیزگی مردم به‌ویژه جوانان هستیم. همه، به‌نوعی دچار نوعی روزمرگی شده‌اند و خود ما که به مسجد می‌رویم، سریع می‌خواهیم

برویم به کارهای مان برسیم؛ بنابراین چه توقعی است که جوانان در این زمینه با انگیزه باشند» (افروغ، ۱۳۹۴/۰۳/۱۶). این بی‌رونقی حتی در زمینه رسالت اولیه مساجد؛ مانند: برگزاری آداب و آیین‌های نیایشی، هم محسوس می‌باشد. عجیب‌تر آن است که این بی‌رونقی مساجد بعد از گذشت چهار دهه از تشکیل جمهوری اسلامی در ایران رخ داده است. در حالی که مساجد در آستانه انقلاب و سال‌های اولیه بعد از آن، بسیار فعال‌تر بوده و محل شکل‌گیری بسیاری از تلاش‌ها برای برپایی نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند. تمامی کسانی که دوران قبل از انقلاب را به یاد دارند، بدون هیچ استثنایی، به نقش پررنگ مساجد در جامعه و جریان‌ات و حوادث منجر به انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کنند.

مساجدی که در طول تاریخ ایران بالاخص در دوره قبل از انقلاب، بدان‌گونه پررنگ بوده‌اند و کارکردهای بسیاری را داشته‌اند، چرا به تدریج کم‌رَمَق یا متروک گشته‌اند؟ آیا زندگی مدرن و پیچیده امروزی، دیگر پذیرای مسجد نیست؟ آیا مسجد، هم‌اکنون کارکردهای خود را در زندگی قرن ۲۱ از دست داده است؟ باید پرسید: آیا جوامع مسلمان میان «مظاهر تجدد» و «مظاهر زندگی دینی» یکی را باید انتخاب کنند؟

۱-۳-۱. غلبه رویکردهای سیاسی و اقتصادی بر رویکردهای فرهنگی در تعامل با مسجد

همان‌گونه که پیامبر اسلام ﷺ جلسات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را در مساجد برپا می‌کردند (پورحسین، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳)، مسئولان نظام اسلامی نیز باید در مساجد، حضوری پویا و مستمر برای پاسخ‌گویی داشته باشند تا مردم سالاری دینی معنا و تحقق یابد، اما غلبه رویکردها در اشکال زیر، عامل دیگری در کاهش اثربخشی مسجد در جامعه است:

۱-۳-۲. تغییر کاربری مسجد

اگرچه توجه به مساجد؛ شامل توجه به زیباسازی و ظواهر نیز می‌شود، اما گاهی این ظاهرسازی‌ها آن‌قدر زیاد است که کارکرد اصلی و حقیقی مساجد را تحت الشعاع قرار

می‌دهد. به‌طور نمونه، برخی از مساجد شهرها؛ اگرچه معماری زیبایی دارند، اما شأن این مساجد از محلی برای بندگی تغییر یافته است و در برخی موارد نیز چیدمان مسجد نه یک فضای ایرانی و اسلامی، بلکه سالن‌هایی است که نه فرش دارد و نه جایی برای اقامه نماز و به‌مثابه سالن‌های همایش ساخته یا تزئین شده است. مسجد، محل تبلیغ و ترویج دین و تبیین مواضع قرآن و ولایت است و این‌گونه تغییر در کاربری مساجد در شأن خانه خدا نیست.

مسجد، جایگاهی برای یادکردن پروردگار است و مؤمنان بایست بتوانند در آن‌جا با حضور قلب، خدا را پرستش کنند. به این منظور، در احکام اسلامی، انجام‌دادن هر کاری که ممکن است مسجد را از ایفای چنین نقشی باز دارد، نامطلوب شمرده شده است. آراستن مسجد با طلا، نقاشی کردن مسجد، خرید و فروش، اجرای حدود در مسجد، ورود دیوانگان به مسجد، هم‌چنین انجام کارهایی مانند: بلندکردن صدا و بیان سخنان بیهوده و اعلام اشیای گمشده و کارهایی از این دست در مسجد، هر کدام می‌تواند انسان را از توجه به نماز و عبادت باز دارد. در مواردی مشاهده می‌شود که برخی از مراسم سنتی همراه با آواز و یا جشن‌های عروسی و مانند آن در مسجد برگزار می‌شود که مغایرت با اصل کارکرد و رسالت مسجد دارد.

۴-۱. علل بیرونی

۴-۱-۱. پدیدآمدن مراکز مشابه و موازی

در جامعه امروز ایران، سازمان‌های متعددی در حوزه دین و فرهنگ - که گاهی در تعارض با مسجد بوده - فعال هستند. به همین دلیل از جهت کارکرد با مساجد گاهی هم‌پوشانی کارکردی و یا تعارض نقشی دارند و به سبب فقدان سیاست‌های مشخصی در اهداف و کارکرد آنان، در بسیاری از موارد رویکرد تقابلی و یا رقابتی با مسجد دارند که در نتیجه، اثربخشی مسجد را به‌ویژه در حوزه فرهنگ و اجتماع کاهش می‌دهند. این نهادها، به غیر از حسینیه‌ها و برخی رسانه‌ها، قدمت چندانی ندارند و آغاز

حیات‌شان به دهه‌های اخیر برمی‌گردد. موازی‌کاری نهادها و سازمان‌های فرهنگی و مذهبی و حضور افراد در این مراکز و یا اختصاص زمان حضور در مسجد به استفاده از محتوای رسانه‌ها، سبب از دست‌رفتن فرصت حضور افراد در مسجد می‌شود. تعامل یا تقابل این نهادها با مسجد می‌تواند سبب رونق و یا عدم رونق مساجد گردد. این مراکز عبارتند از:

۱-۴-۱. حسینیه و اماکن مذهبی

حسینیه یا مرکز فرهنگی، به مراکز برگزاری مراسم و آئین عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام و سایر مراسم مذهبی مانند قرائت ادعیه و مجالس و عظ و سخنرانی اطلاق می‌شود. علاوه بر حسینیه، مکان‌هایی مانند: «فاطمیه»، «مهديه»، «حسینیه»، «عباسیه»، «زینبیه» نیز برای برگزاری مراسمات مذهبی و فرهنگی وجود دارد. این مراکز دینی و فرهنگی، از آنجا که به بخشی از نیازهای دینی مردم پاسخ می‌دهند، گاهی به‌طور ناخودآگاه به‌عنوان رقیب برای مسجد عمل می‌کند؛ چراکه بخش زیادی از کسانی که در برنامه‌های این مراکز حضور فعالی دارند، احساس نیاز به مسجد را در نزد آن‌ها کاهش داده و یا حتی از بین می‌برد و لذا در مسجد حضور مستمری چندانی ندارند.

۱-۴-۲. فرهنگ‌سرا

«فرهنگ‌سرا»، به مجموعه‌ای فرهنگی و هنری اطلاق می‌شود که برای ارائه خدمات فرهنگی به شهروندان، عمدتاً از سوی شهرداری‌ها ایجاد گردید. فرهنگ‌سرا، دارای کارکردهایی مانند: برگزاری جشنواره‌ها، برگزاری کارگاه‌های مختلف اعم از هنری، فرهنگی و اجتماعی، نمایشگاه‌های عرضه محصولات هنری و فرهنگی، مراسمات دینی و... هستند. فرهنگ‌سرا، امروزه مهم‌ترین نهاد موازی مسجد در حوزه فرهنگ است که در آسیب‌شناسی وضعیت کنونی مساجد ایران باید به آن توجه ویژه‌ای شود؛ چنان‌که مشاهده می‌شود که نوع فرهنگ عمومی و نیز فرهنگ دینی ارائه‌شده در این مراکز، گاهی با فرهنگ مورد نظر مسجد در تقابل کامل است.

۳-۱-۴-۱. نمازخانه‌ها

نمازخانه‌ها نیز از جمله نهادهای موازی مسجد به‌شمار می‌آیند که تنها کارکرد آنها، برگزاری نماز جماعت و یا محل اقامه نمازهای روزانه به‌صورت فردی است. امروزه تعداد نمازخانه‌های کشور، به اندازه تعداد مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات و به‌تازگی مراکز تجاری و تفریحی است. رشد روزافزون تعداد نمازخانه‌ها و انتقال اصلی‌ترین کارکرد مساجد به این مکان‌ها، سبب شده است تا نمازخانه‌ها به‌عنوان یکی از رقبای اصلی مسجد به‌شمار بیایند. انجام همه کارویژه‌های مسجد، در مکانی که شرایط مسجد را ندارد، ناخودآگاه و یا آگاهانه آثار نماز و دیگر اعمال خاص مسجد را در پی نخواهد داشت.

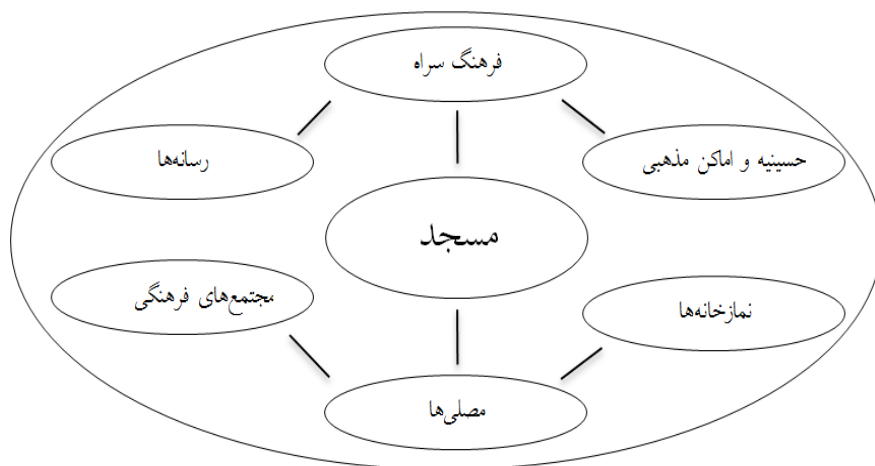
۴-۱-۴-۱. مصلی نماز جمعه

یکی دیگر از مکان‌های متعامل یا رقیب با مسجد، مصلی‌ها هستند. مصلی، به مکان‌های برگزاری نماز جمعه و اعیاد فطر و قربان اطلاق می‌شود. کارکرد این اماکن، به‌تدریج فراتر رفت و در مواقعی، نقش‌های مسجد را ایفا کرد. در تهران و برخی از شهرهای بزرگ، هزینه‌های هنگفتی برای ساخت این مکان‌ها اختصاص یافته است. مصلی در واقع، رقیب جدی مسجد جامع است؛ چراکه مهم‌ترین کارکرد مسجد جامع، برگزاری نماز جمعه در آن بود که با ایجاد مصلی، کارکرد اصلی آنها، به این مکان جدید انتقال یافت، اما به دلایل متعددی، آن تأثیرات و مرجعیت لازم را در محلات و جوامع شهری پیدا نکرد.

۵-۱-۴-۱. مجتمع‌های فرهنگی

مجتمع فرهنگی، مجموعه‌ای مشابه فرهنگ‌سراست؛ با این تفاوت که کارکردهای بیشتری دارد. مجتمع‌های فرهنگی، اصطلاحی است که به مجموعه‌ای چندکارکردی اطلاق می‌شود. مراکز تفریحی، تجاری، ورزشی و آموزشی از اجزای تشکیل‌دهنده این مجتمع‌ها هستند. امروزه مجتمع‌های فرهنگی از جمله مراکزی است که گاهی با مسجد در حوزه‌های فرهنگی و دینی موازی کاری می‌کند.

شکل ۳: تقابل یا تعامل مسجد با نهادهای موازی



۱-۵. تحولات دوران معاصر

۱-۵-۱. تهاجم فرهنگی

«تهاجم فرهنگی»، از مقولات جدایی‌ناپذیر و یکی از پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی تمدن و فرهنگ غرب بر جهان اسلام به‌ویژه «ایران» به‌شمار می‌رود. دشمن در این تهاجم با عملیات روانی و تبلیغ، سعی در از بین بردن فرهنگ و معنویت جوامع است؛ مقام معظم رهبری می‌فرماید: «در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۲/۰۷). با وجود کتب و آموزه‌های قابل توجه از معنویت و عرفان دینی در جوامع اسلامی، شماری از مسلمانان - به‌ویژه نسل جوان - به فرقه‌های معنویت‌گرای نوپدید گرایش نشان داده و پیرو آنها شده‌اند؛ و «یکی از عوامل اقبال برخی از جوانان مسلمان به معنویت‌گرایی نوپدید، وجود روح سکولاریزم در تعالیم فرقه‌های معنویت‌گراست. آنان معنویت را به جوانان وعده می‌دهند که هدف از آنان، رسیدن به دنیایی شیرین‌تر با دستیابی به رموز شادی، آرامش، درمانگی و قدرت‌های خارق‌العاده است» (شریف‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۰). عدم آشنایی جوانان مسلمان با آموزه‌های عرفانی ناب و القای مضامین

دینی با رویکرد تکلیفی- الزامی را می توان از دلایل گرایش به معنویت های نوپدید و فاصله گرفتن از مسجد دانست.

۱-۵-۲. تغییر نظام ارتباطات اجتماعی

ظهور مدرنیته، الزامات خاصی را در عرصه های مختلف اجتماعی در جهان ایجاد کرد. مدرنیته از ساز و کارها و بسترهای متناسب با خود برای گسترش فرهنگ بهره می گیرد که عمدتاً در تقابل با نهاد مسجد و ظرفیت های آن است.

رشد مدرنیته در همه عرصه های زندگی اجتماعی، فضای نقش آفرینی و تأثیرگذاری مطلوب را از مسجد سلب کرده است؛ چنان که مشاهده می شود در ایجاد شهرهای جدید در پیرامون کلان شهرها، فضای شهری، معماری، چینش واحدها و ساختار شهری بر مبنای الزامات و معیارهای مدرنیته است و حتی مسجد در این نوع نظام شهری، تعریف و جایابی می شود که بی تردید، به عنوان محور محله و جامعه اسلامی طراحی و اجرا نمی شود.

در گذشته، مساجد و حتی حسینیه ها و هیئت های مذهبی، به عنوان مراکز ارتباط اجتماعی و منابع فرهنگ ساز به گونه ای انحصاری و بی رقیب عمل می کردند و نهادهای سنتی غیر مذهبی، همچون قهوه خانه ها (نقالی و شاهنامه خوانی) هم از نظر تأثیرگذاری ضعیف بوده و نیز مخاطبان خاص داشته و هم به لحاظ محتوای پیام، توان رقابت با آنها را نداشتند. اقتدار نهادهای مذهبی بر مناسبات اجتماعی و فضای شهری از نظر ریخت شناسی^۱ نیز چنان آشکار بود که مناطق مسکونی و مراکز خدماتی و تولیدی شهرها غالباً پیرامون یک سازمان مذهبی؛ مانند: حرم امامان یا نوادگان و فرزندان آنان و یا مسجد جامع شهر و... شکل گرفته بود؛ به گونه ای که اگر از فضای بالا به بسیاری از شهرهای جوامع اسلامی نگاه می شد، محوریت حرم یا مسجد در آنها کاملاً مشهود بود. این محوریت مسجد و مکان دینی، تنها به ظواهر، محدود نمانده و در عمل نیز بسیاری

1. Morphology

از روابط متقابل انسانی و فرهنگ جامعه با محور آنها نظم و شکل می‌گرفت. اما امروزه با تنوع‌یابی ساخت‌های اجتماعی و شکل‌گیری مراکز ارتباط اجتماعی بیرون از مرکز دینی، و نیز با گسترش مراکز رسانه‌ای رقیب؛ از قبیل رادیو و تلویزیون، ماهواره، مطبوعات، نوار، کتاب و... پیام‌های فرهنگی و الگوهای معیشتی از منابع متعدد و متنوع به‌سوی جامعه سرازیر است.^۱ تازگی و تنوع این رسانه‌ها همراه با بهره‌گیری از جدیدترین شیوه‌های تأثیرگذاری نامحسوس بر مخاطب، پیام‌ها و الگوهای آن‌ها را از چنان جذابیتی برخوردار می‌سازد که خود را قادر به مقابله صریح یا ضمنی با منابع سنتی و مذهبی فرهنگ می‌بینند. در این میان، برخی رسانه‌ها، که از حوزه تأثیرگذاری بیشتری بهره‌مند هستند، با ارائه الگوهای مصرف‌نا سازگار با معیشت اکثریت جامعه و نیز الگوهای رفتاری متعارض با فرهنگ عمومی اغلب مناطق کشور، به تخریب فرهنگی وسیعی دست زده‌اند و برخی مشکلات فکری، فرهنگی و رفتاری شهرهای بزرگ تا شهرهای کوچک و روستاها را گسترش داده‌اند. از این جاست که پدیده‌هایی همچون: سبک زندگی غیراسلامی، به‌صورت نیاز اساسی هر خانواده موفق و خوشبخت، نمایانده می‌شود. روشن است که پیشی گرفتن آشکار این‌گونه نهادهای فرهنگ‌ساز جدید از نهادهای مذهبی در شکل‌دهی به شیوه زندگی مردم و ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای نو، عامل اساسی بروز این‌گونه مسائل است.

۱-۵-۳. تغییر الگوهای مرجع

در هر جامعه‌ای، الگوهای مرجع، تأثیر بسیار زیادی بر شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد دارند. بخش عمده‌ای از سطوح درونی و بیرونی فرهنگ یک جامعه؛ مانند: ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و نمادهای اجتماعی، در واقع بازتابی از ارزش‌ها، هنجارها و

۱. این نهادها گاه حتی با پرداختن به کارویژه‌های مراکز مذهبی و بدون آنکه به‌لحاظ محتوا، منافاتی با آنها داشته باشند، نیز عرصه را بر نهادهای مذهبی تنگ می‌کنند. در اوایل انقلاب گاهی در ایام عزاداری محرم و صفر توسط برخی مراجع دینی از مردم خواسته می‌شد که برای عزاداری به نشستن پای تلویزیون اکتفا نکنند و مساجد و حسینیه‌ها را خالی نگذارند.

رفتاری است که الگوهای مرجع آن را تبلیغ و گسترش می‌دهند. کوئن معتقد است افراد در تبعیت از الگوهای مرجع، سعی در همانندسازی رفتار و اعتقادات خود با نمونه‌های ایده‌آل‌شان دارند (کوئن، ۱۳۷۳، ص ۱۳۸)؛ بنابراین، الگوهای مرجع، در واقع، کارکرد مقایسه‌ای و تطبیقی دارند (معدفر و صبوری، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

در دهه‌های اخیر به دلیل تحولات ناشی از مدرنیته و تغییرات سبک زندگی، شاهد تغییر گروه‌های مرجع اعضای جامعه به‌ویژه نسل جوان از الگوهای دینی به سوی الگوهای غیردینی و عمدتاً غربی هستیم. به تبع این تغییر الگوها، ارزش‌ها و هنجارهای تقلیدی نیز در نزد افراد جامعه گسترش یافته است (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۴).

نتیجه‌گیری

مسجد، به‌عنوان کانون وحدت‌بخش ملت اسلامی، بایسته است که در جهت تحکیم دین و معنویت در میان نسل آینده‌ساز و بانشاط جوان گام بردارد تا در نهایت، عطر معنویت مسجد، فضای خانواده و محله پیرامونی را نیز معطر سازد. مساجد، به‌عنوان یک نهاد مدنی، بهترین پایگاه برای اجتماع مسلمانان و ایجاد وحدت و همدلی و نیز تبیین معارف و احکام دینی و رفع و دفع مشکلات اجتماعی و اقتصادی و بررسی مسائل علمی، سیاسی و دینی بوده است و مساجد همواره نقطه آغاز هرگونه حرکت اجتماعی و اصلاحی بوده‌اند؛ چنان‌که یکی از مراکز و اماکنی که در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، بیشترین نقش‌ها را ایفا کرد، همین مساجد بودند و در حال حاضر نیز کشور ما با داشتن حدود ۷۰ هزار مسجد، می‌تواند از این گسترده‌ترین شبکه اجتماعی و دینی بهترین استفاده‌ها را برده و به پیشبرد فرهنگ و معنویت در سطح جامعه اقدام کند. از این مکان معنوی است که فرهنگ اصیل دینی تبیین و تبلیغ شده، راه تربیت و رشد و کمال انسانی هموار می‌گردد و بازسازی و اصلاح فرهنگی و معنوی فردی و اجتماعی آغاز می‌گردد.

در مجموع، به‌نظر می‌رسد، وضعیت تعاملی مسجد و جامعه در دوران کنونی؛ علی‌رغم ظرفیت بسیار و فرصت ایده‌آل، و نیز با وجود تجربه تاریخی مؤثر، شایسته

جامعه امروز نیست. به طور کلی، می‌توان دو دسته عوامل؛ درونی و بیرونی را از مهم‌ترین علل تغییر جایگاه مسجد و کاهش نقش آفرینی آن در عرصه‌های اجتماعی جامعه امروزی به‌شمار آورد. در علل درونی، می‌توان به وضع قوانین و سیاست‌ها، تعدد متولیان و جدایی نهادهای اجتماعی و فرهنگی از مسجد اشاره کرد و در علل بیرونی نیز می‌توان از شکل‌گیری نهادهای موازی و گاهی رقیب در کنار تحولات اجتماعی متأثر از مدرنیته یاد کرد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ابراهیم احسائی، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). عوال اللثالی (محقق: مجتبی عراقی). قم: مؤسسه سیدالشهداء علیه السلام.
۲. اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی. (۱۳۶۳). المآثر و الآثار (ج ۱). تهران: نشر اساطیر.
۳. افروغ، عماد. (۱۳۹۴/۰۳/۱۶). وقتی کارکردهای مسجد کلیشه‌ای می‌شوند. برگرفته از: پایگاه تحلیل و اطلاع‌رسانی فرهنگ علوم انسانی. <https://b2n.ir/j15952>
۴. امام جمعه‌زاده، سیدجواد؛ رهبرقاضی، محمودرضا؛ برزگرقاضی، کمال؛ و صادقی نقدعلی، زهرا. (۱۳۹۱). رابطه میان دینداری و رفتار انتخاباتی. مجله قدرت نرم. ۳(۸)، صص ۲۷-۴۴.
۵. الولی، طه. (۱۴۰۹ق). المساجد فی الاسلام. بیروت: نشر دارالعلم للملایین.
۶. برومند اعلم، عباس. (۱۳۸۴). درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی. تهران: نشر ستاد اقامه نماز.
۷. بغدادی، محمد بن سعد. (۱۳۹۲). الطبقات الكبرى (مترجم: محمود دامغانی، ج ۱). تهران: نشر فرهنگ و اندیشه.
۸. پورحسین، مهدی. (۱۳۸۵). قانون‌مندی در حکومت نبوی. فصلنامه حکومت اسلامی، (۴)، صص ۱۴۸-۱۷۱.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۱۰. حشمتی، محمدرضا. (۱۳۷۹). مساجد؛ مشکلات و راهکارها. مجله مبلغان. (۳)، صص ۸۱-۹۱.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸/۰۷/۰۲). سخنرانی در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://b2n.ir/y19885>
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹/۰۷/۱۸). پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز. برگرفته از:

- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://b2n.ir/y19885>
۱۳. شریف‌زاده، بهمن. (۱۳۹۰). فرقه‌های معنویت‌گرای نوپدید. دو ماهنامه علمی و آموزشی فرهنگیان بسیجی، (۲۸)، صص ۱۰-۱۸.
۱۴. صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۹۰). بررسی گروه‌های مرجع شهر تهران. فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی، ۴(۱۱)، صص ۳۵-۵۱.
۱۵. کاشانی‌زاده، مسلم. (۱۳۹۱). بررسی آسیب‌شناختی وضعیت کنونی مساجد ایران از منظر نخبگان حوزوی و دانشگاهی (استاد راهنما: کریم‌خان‌محمدی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی. قم: دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام.
۱۶. کوئن، بروس. (۱۳۷۳). مبانی جامعه‌شناسی (مترجم: عباسعلی توسلی و رضا فاضل). تهران: نشر سمت.
۱۷. ملک‌م، سرجان. (۱۳۸۳). تاریخ ایران (مترجم: میرزا اسماعیل حیرت). تهران: نشر سنایی.
۱۸. موسوی‌الخمنی روح‌الله. (۱۳۶۲). کشف الأسرار. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۹. موسوی‌الخمنی روح‌الله. (۱۳۷۸). صحیفه نور. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام علیه‌السلام.
۲۰. ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۹). مدیریت راهبردی مساجد. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۱. نوبهار، رحیم. (۱۳۷۵). مسجد نمونه (ج ۲). تهران: نشر ستاد اقامه نماز.

References

* The Holy Quran

1. Afrough, E. (1394 AP). "When the functions of the mosque become stereotyped." Taken from: Analysis and Information Website of Humanities Culture at <https://b2n.ir/j15952>. [In Persian]
2. Alwali, T. (1409 AH). *Mosques in Islam*. Beirut: Dar Al-Ilm le al-Mala'een. [In Arabic]
3. Baghdadi, M. (1392 AP). *Al-Tabaghat al-Kobra*. (M, Damghani, vol. 1, Trans.). Tehran: Farhang va Andisheh Publications. [In Persian]
4. Boroumand Alam, A. (1384 AP). *An Introduction to the Place of the Mosque in Islamic Civilization*. Tehran: Publication of the Committee of Holding Prayer. [In Persian]
5. Coen, Bruce. (1373 AP). *Fundamentals of Sociology* (A. A. Tavassoli & R. Fazel, Trans.). Tehran: Samt Publications. [In Persian]
6. Etemad Al-Saltanah, M. (1363 AP). *Al-Ma'athir va al-Athar*. (vol. 1). Tehran: Asatir Publications. [In Persian]
7. Heshmati, M. R. (1379 AP). *Mosques; Problems and solutions*. Journal of Islamic Preachers. (3), pp. 81-91. [In Persian]
8. Hor Ameli, M. (1414 AH). *Wasa'il al-Shia*. Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
9. Ibn Ibrahim Ehsa'i, M. (1403 AH). *Awal al-Laali*. (M, al-Iraqi, Ed.). Qom: Seyyed Al-Shohada Institute. [In Arabic]
10. Imam Jomehzadeh, S. J., & Rahbar Ghazi, M. R., & Barzegar Ghazi, K., & Sadeghi Naqdali, Z. (1391 AP). The relationship between religiosity and electoral behavior. *Journal of Soft Power*. 3(8), pp. 27-44. [In Persian]
11. Kashanizadeh, M. (1391). *Pathological study of the current situation of mosques in Iran from the perspective of seminary and university elites* (Supervisor: K, Khan Mohammadi). Master's thesis, Propagation and Cultural Communication. Qom: Baqir al-Olum University. [In Persian]
12. Khamenei, S. A. (1388 AP). *Speech at a meeting of members of the Assembly of Leadership Experts*. Retrieved from: Information Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works <https://b2n.ir/y19885>. [In Persian]

13. Khamenei, S. A. (1389 AP). *Message to the 19th National Prayer Summit*. Retrieved from: Information website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works <https://b2n.ir/y19885>. [In Persian]
14. Malcolm, John. (1383 AP). *History of Iran* (M, I, Hairat, Trans.). Tehran: Sanaei Publications. [In Persian]
15. Mousavi Khomeini R. (1362 AP). *Kashf al-Asrar*. Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
16. Mousavi Khomeini R. (1378 AP). *Sahifeh Nour*. Tehran: The Institute for Publishing and Preparing Imam Khomeini's Works. [In Persian]
17. Nazemi Ardakani, M. (1389 AP). *Strategic management of mosques*. Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution. [In Persian]
18. Nobahar, R. (1375 AP). *Perfect Mosque* (Vol. 2). Tehran: Publication of the Committee for Holding Prayer. [In Persian]
19. Pourhossein, M. (1385 AP). Legitimacy in the Prophet Government. *Journal of Islamic Government*, (4), pp. 148-171. [In Persian]
20. Saburi Khosroshahi, H. (1390 AP). An Investigation of reference groups in Tehran. *Journal of Social Research*, 4(11), pp. 35-51. [In Persian]
21. Sharifzadeh, B. (1390 AP). Emerging spiritualist sects. *Scientific and Educational Journal of Basiji Teachers*, (28), pp. 10-18. [In Persian]